



## جنگل کاج

رودی  
پیوسته دارد می رود  
از لابه لای جنگل انبوه  
آورده با خود هدیه های خیس و تر  
از کوه

او بیش تر از هر زمانی شاد و  
خوش حال است  
در جست و جوی جنگل کاج  
کهن سال است

او کاج های تشنه را  
دل بسته ی آب خنک کرده  
هم مهربانی هم کمک کرده

• عبدالرضا صمدی



• تصویرگر: شیوا ضیائی

## با کی بود؟

یک برگ خشکیده  
از شاخه ای افتاد  
پایم که رویش رفت  
خش خش صدایی داد

دیدم چه بی حال است  
با رنگ و رویی زرد  
گفتم ببخش اما  
او باز خش خش کرد!

آخر نفهمیدم  
چی گفت، با کی بود!  
او را بغل کردم  
با اینکه خاکی بود

## مثل بسیج

غریب، مثل اسیر  
رفیق، مثل پدر  
صبور، مثل صدف  
زمان جنگ و خطر

زالال، مثل دعا  
شجاع، مثل بسیج  
نجیب، مثل شهید  
دفاع مثل بسیج

• علی اصغر نصرتی

• مریم هاشم پور